فصلنامه علمی
مطالعات حقوق بشر اسلامی

مؤلفه‌های ایراد اتهام در ایران و فرانسه: رویکردی به امنیت قضایی

مهران وفا دوست سبزوار[1]، حسین فتح آبادی[2]، مجید شایگان فرد[3]

۳۸
دوره ۱٤، شماره ۳، پیاپی ۳۸
پاییز ۱٤۰٤
مقاله پژوهشی
تاریخ دریافت:
۱٤۰٤-۰۵-۱۷
تاریخ پذیرش:
۱٤۰٤-۰۹-۰۲
صص: ۱۱۹-۱۰۱
شاپا چاپی: ۵۶٤۵-۲۳۲۲
رتبه علمی
ب
بررسی صحت گواهی در :
JOURNALS.MSRT.IR

چکیده

هدف این پژوهش بررسی مؤلفه‌های ایراد اتهام و تأثیر آن‌ها بر حفظ و گسترش امنیت قضایی شهروندان در ایران و فرانسه است. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و از طریق مطالعه کتابخانه‌ای شامل قوانین، مقررات و منابع علمی مرتبط، داده‌ها را گردآوری کرده و با استفاده از روش مقایسه‌ای میان نظام حقوقی ایران و فرانسه تحلیل نمود.

یافته‌ها نشان می‌دهد که مؤلفه‌هایی نظیر اصل کفایت ادلّه، اصل برائت، اصل سکوت، اصل تفهیم اتهام، حق همراه داشتن وکیل، اصل قانونی بودن جرم و مجازات‌ها، حق دادخواهی، اصل مستند بودن رأی، اصل مصلحت‌گرایی، اصل منفعت عمومی و رعایت امنیت قضایی و آزادی‌های اجتماعی، نقش کلیدی در ایجاد مدل مطلوب ایراد اتهام دارند. با این حال، در نظام حقوقی ایران برخلاف فرانسه، برخی مؤلفه‌ها از جمله اصل اول، نهم و دهم به‌طور کامل مورد توجه قرار نگرفته‌اند. نتایج پژوهش تأکید می‌کند که رعایت کامل این مؤلفه‌ها موجب افزایش عدالت و ارتقای امنیت قضایی می‌شود و غفلت از آن‌ها می‌تواند منجر به آسیب به حقوق شهروندان گردد.

کلیدواژه‌ها:

ایراد اتهام، امنیت قضایی، کفایت ادلّه، مدل مطلوب، امنیت قضایی، حقوق بشر اسلامی

۱. دانشجوی دکتری گروه حقوق، حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، مشهد، ایران
۲. استادیار گروه حقوق، حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، مشهد، ایران
(نویسنده مسئول). Hosseyn.fath@gmail.com
۳. استادیار گروه حقوق، حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، مشهد، ایران.

مقدمه و بیان مسأله

دادستان در امور امنیت قضایی وظایف مختلف و گسترده‌ای دارد، از جمله وظیفه کشف جرم و تعقیب مجرم از طریق گزارش‌های مأموران دولتی و شکایات مردمی است.[1] در حقیقت دادستان به عنوان مدعی‌العموم، به شکل یک پل ارتباطی بین دستگاه قضا و مردم عمل می‌کند. در قوانین مختلف از جمله بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی،[2] برای دادستان کل کشور و به تبع آن دادستان‌های شهرستان‌ها وظایفی پیش‌بینی شده که اجرای آن‌ها در حفظ و گسترشِ امنیتِ قضایی نقش مؤثری دارد به نحوی که می‌توان به جرأت گفت خطیرترین و مهمترین وظیفهٔ دادستان در راستای اعتلای سیستم عدالت کیفری « حفظ و گسترشِ امنیتِ قضایی»[3] است.

در ادبیات حقوق کیفری ایران، موضوع امنیت قضایی در مرحله پیش از دادرسی به‌طور مستقل بررسی شده و بر تضمین‌هایی چون منع بازداشت غیرقانونی، حق دسترسی به وکیل و تفهیم اتهام تأکید گردیده است؛ از جمله در مقاله «امنیت قضایی در مرحله پیش از دادرسی در رویه قضایی و حقوق کیفری ایران» که بر نقش تضمینات قانونی در صیانت از حقوق متهم تمرکز دارد. همچنین در پژوهش «شاخصه‌های ایراد اتهام در نظام‌های کامن‌لا و رومی-ژرمنی با نگاهی به حقوق ایران»، تفاوت کارکرد دادستان و معیارهای ورود اتهام در الگوهای مختلف عدالت کیفری تحلیل شده و غلبه رویکرد کنترل‌مدار در ایران نتیجه‌گیری شده است. افزون بر این، در کتاب «امنیت قضایی در حقوق کیفری ایران و رویه دیوان اروپایی حقوق بشر» اثر سیدعباس جزائری ناصر، تضمین‌های امنیت قضایی با الهام از آرای دیوان اروپایی حقوق بشر بررسی شده است. با وجود این، تبیین یک مدل مطلوب از مؤلفه‌های ایراد اتهام در پیوند مستقیم با حفظ و گسترش امنیت قضایی و با رویکرد تطبیقی میان حقوق ایران و فرانسه، همچنان نیازمند پژوهشی مستقل و منسجم است.

از لحاظ بررسی تطبیقی، باید حقوق فرانسه را در حفظ و گسترشِ امنیتِ قضایی ، پیشگام دانست. موقعیت دادستانی در فرانسه بیش از هر چیزی، از طریق قانون اساسی سال ۱۹۵۸ و قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه مشخص می شود. دادستانی علیرغم اینکه مانند دادگستری، وظیفه صیانت از حقوق قضایی شهروندان را دارد، وظیفهٔ ایراد اتهام و سپس تعقیب فرد خاطی را دارد که براساس اصلاحاتی که در قانون آیین دادرسی کیفری در سال (۲۰۰۴م) انجام شد، وظایف و اختیارات دادستان دراین راستا تقویت گردید. براساس قانون جدید، وزیر دادگستری سیاست‌های دولت در تعقیب جرایم را دنبال خواهد کرد.**(Danet, 2013: 45)**

---

۱ مادهٔ ۲۲ از قانون آیین دادرسی کیفری مصوّب ۱۳۹۲ بیان می‌دارد:«به منظور کشف جرم، تعقیب متهم، انجام تحقیقات، حفظ حقوق عمومی و اقامه دعوای لازم در این مورد، اجرای احکام کیفری، انجام امور حسبی و سایر وظایف قانونی، در حوزه قضائی هر شهرستان و در معیت دادگاههای آن حوزه، دادسرای عمومی و انقلاب و همچنین در معیت دادگاههای نظامی استان، دادسرای نظامی تشکیل می‌شود».

۲ اصل ۱۵۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: قوه قضاییه قوه‌ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده‌دار وظایف زیر است:

۱ ـ رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبیه که قانون معین می‌کند.

۲ ـ احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادیهای مشروع.

۳ ـ نظارت بر حسن اجرای قوانین.

۴ ـ کشف جرم و تعقیب مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزائی اسلام.

۵ ـ اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین.

۳ Maintaining public order and security.

در فرانسه، اکثریت پرونده‌های جنایی توسط پلیس تحت نظارت دادستان بررسی می شوند و تنها پرونده‌های جدی‌تر به قاضی تحقیق واگذار می‌شـوند، هرچند دادسـتان می‌تواند برخی پرونده‌های پیچیده را نیز ارجاع دهد. متهمان حق دارند در طول بازداشـت موقت و بازجویی موسوم به بازداشت موقت تحت نظارت پلیس[1] از وکیل بهره‌مند شوند و تخطی از مؤلفه‌های ایراد اتهام با ضمانت اجراهای بسیار شدید مواجه است (**Hodgson, 2012: 123**).

پژوهش حاضر با هدف روشن سازی برخی ابهامات، در پی پاسخ به این سوال است که مؤلفه‌های «ایراد اتهام» در یک مدل مطلوب برای حفظ و گسترش امنیت قضایی چیست و کدام یک از این مؤلفه‌ها در حقوق ایران به‌طور کامل مدنظر قرار نگرفته‌اند. برای دستیابی به پاسخ، پژوهش از چارچوب نظری نظام‌مند پیروی می‌کند. بر این اساس، پس از بررسی مفهوم امنیت قضایی، در فصل سوم تحت عنوان «مؤلفه‌های ایراد اتهام در یک مدل مطلوب»، موضوع در یازده بند تفکیک و تحلیل خواهد شد.

۱- مفهوم ایراد اتهام

از لحاظ اصطلاحی «ایراد اتهام»[2] معادل انگلیسی از جمله اصطلاحات نوظهور در ادبیات حقوق کیفری است که در نظام کیفری اکثر کشورها به عنوان مرحله ای مهم از فرایند کیفری، کمتر بدان پرداخته شده است. جرج پاولیچ[3] به عنوان اولین پژوهشگر در این حوزه در تعریف ایراد اتهام یا اتهام زدن در کتاب معروفِ خود تحت عنوان «اتهام کیفری»[4] اذعان می‌دارد: «ایراد اتهام حالتی اسـت که فرد با نوعی عنوان کیفری داخل در فرایند کیفری شده و تعقیب با آن آغاز می‌شود»(**Pavlich, 2018: 46**). در این مفهومِ نوظهور از ایراد اتهام به عنوان دروازهٔ عدالت کیفری نام برده شـده اسـت(**Ibid:47**). در واقع ایراد اتهام حالتی اسـت که در آن پلیس و یا دادستان با توجه به اختیاراتی که قانون به آنها واگذار نموده است با بررسی نوع جرم و ادله موجود تصمیم می‌گیرند که برچسب اتهام را به متهم وارد کنند یا خیر. از این رو به طور اختصار و بر اساس نظر نویسنده مقالهٔ پیش رو؛ ایراد اتهام وضعیتی است که دستگاه عدالت کیفری با توجه به دلایل اتهامی و نوع جرم تصمیم می‌گیرد که، فرایند کیفری را علیه شخصی آغاز یا از آن صرف‌نظر نماید که نیازمند رعایت مؤلفه‌هایی در جهت مطلوب آن است.

۲-دادستان؛ حفظ و گسترش امنیتِ قضایی

دادستان یا مدعی العموم صاحب منصبی است که برای حفظ حقوق و نظارت بر حسن اجرای قوانین و تعقیب کیفری بزهکاران در راستای امنیت قضایی موافق مقررات قانونی انجام وظیفه می‌کند(**Barkow, 2010: 2096**) بر این اساس و تعریف پیش‌گفته دادستان به عنوان تأمین‌کننده امنیت قضایی شناخته می شود. در هر دادسرا، دادستان رئیس آن دادسرا محسوب شده و در اصول دادرسی کیفری، دادستان صلاحیت وکیل جامعه را داشته و جرایم را به نام جامعه تعقیب می‌کند.

---

[1] garde à vue.
[2] Accusation.
[3] George Pavlich.
[4] Criminal charge.

در فرانسه دادستان صرفاً یک طرف دعوا محسوب می‌شود و در زمینه تحقیق از جرایم و اجرای احکام کیفری اختیاری ندارد. در فرانسه، دادستان در شهرستان به نمایندگی از دادستان کل و با کمک دادیاران در دادگاه‌ها حضور دارد، دادستان کل فائق بر دادسرا است؛ در دیوان این کشور، یک دادستان و ۱۷ دادیار حضور دارند و هر شعبه، یک رئیس و ۱۵ مستشار و ۳ دادیار و یک منشی شعبه را داراست. در موارد اصراری، هیأت عمومی نیز جلساتی با حضور ۳۵ مستشار تحت ریاست رئیس شعبه اول و با شرکت دادستان کل تشکیل می‌دهد.**(Guinchard and Buisson, 2012: 45)**

به طور کلی از آنجا که دادستان به عنوان مدعی العموم شناخته می شود، رسالت مهمی در راستای تضمین امنیت قضایی و در نهایت تضمین اصول دادرسی منصفانه را داراست.**(Renucci, 2004: 51)** بنابراین معنا و مفهوم امنیت قضایی در حقوق ایران و فرانسه آن است که افراد بتوانند در کوتاه ترین زمان ممکن به حقوق خود اعم از حقوق فردی یا اجتماعی برسند و به اجرای عدالت دست یابند که این موضوع می‌تواند از طریق دادستانی با رعایت مؤلفه‌های در بدو ایراد اتهام به حد مطلوب محقق گردد.

جایگاه دادستان در نظام عدالت کیفری، بسته به ساختار حقوقی کشورها متفاوت است. در نظام‌های حقوق عرفی، نقش دادستان عمدتاً اجرایی است؛ به طوری که دادستان جزئی از قوۀ مجریه محسوب می‌شود و در عین حال تلاش می‌شود استقلال عمل این نهاد در چارچوب قوۀ مجریه حفظ گردد **.(Simmat, 1994:31)**

در مقابل، در نظام‌های رومی-ژرمنی مانند حقوق فرانسه، موقعیت دادستان بسته به انتخاب‌های سازمانی کشورها می‌تواند تابع قوۀ مجریه یا قوۀ قضائیه باشد. در ساختار قضائی فرانسه، دادستان در شمار مقامات وزارت دادگستری قرار دارد و با وجود اینکه دارای پایه قضائی است، از حیث سازمانی بخشی از دستگاه اجرایی محسوب می شود **.(Lazerges, 2000:89)** بنابراین، با توجه به تفاوت‌های ساختاری میان دو نظام، شیوه‌های اعمال مؤلفه‌های تعقیب و اثبات اتهام در حقوق ایران و فرانسه هر یک ویژگی‌ها و مختصات خاص خود را دارند**.**

۳- مؤلفه‌های «ایراد اتهام» در یک مدل مطلوب

مؤلفه‌های «ایراد اتهام» در یک مدل مطلوب در راستای حفظ و گسترش امنیت قضایی حسب واکاوی تطبیقی در نظام حقوقی ایران و فرانسه شامل دوازده مورد است که به تفصیل در ذیل این فصل تبیین می‌گردد.

۳- ۱- اصل کفایت ادلّه

از جمله عوامل مهمی که کنشگران کیفری[۱] برای سنجش ایراد اتهام در یک مدل مطلوب در راستای حفظ و گسترش امنیت قضایی در نظر می‌گیرند؛ ادلّۀ موجود در پرونده است. **(Hutchings, 2012:66)** نظریۀ کفایت ادلّۀ ، حالتی است که در آن دادستان قبل از ایراد اتهام، ادلّۀ موجود در پرونده را مورد بررسی قرار می‌دهد و سپس بعد از بررسی اگر به این نتیجه رسید که مستندات موجود در پرونده، دست کم، اتهام وارده را تا حد قابل قبولی تصدیق می‌کند اقدام به ایراد اتهام و در غیر این صورت از

۱Criminal activists.

اتهام زدن و داخل نمودن اشخاص در پروسهٔ کیفری در راستای امنیت قضایی خودداری می‌نماید.**(Robert, 2011: 40)** در این میان دادستان به عنوان اغاز کنندهٔ پروسهٔ کیفری، نقش کلیدی دارد با این توضیح که آغاز کننده و پایان دهندهٔ تحقیقات مقدماتی که از ایرادِ اتهام تا صدور کیفر خواست ادامه دارد در اختیار دادستان است. به عبارتی مرحلهٔ تحقیقات مقدماتی[1] این موضوع را هشدار می‌دهد که دادسی کیفری دارای دو مرحلهٔ مهم و اساسی است. مورد اول تحقیقات مقدماتی است که معمولاً در اختیار دادسرا و مرحلهٔ بعدی مرحلهٔ رسیدگی نام دارد که توسط دادگاه انجام می شود. مرحلهٔ تحقیقات مقدماتی به علت نزدیک بودن به زمان وقوع جرم، تصمیم‌گیری برای بازداشت یا آزادی متهم، جمع‌آوری ادلّهٔ جرم و حساسیت آن در مرحلهٔ مقدماتی از اهمیت فراوانی برخوردار است. چنان که اگر دادسرا نتواند تحقیقات خود را به درستی انجام دهد، هرچند دادگاه در وظایف خود بسیار دقیق عمل نماید امکان کشف حقیقت وجود ندارد. (فروغی و یوسفی، ۱۳۹۳: ۱۴۷)

نظریه‌پردازان کفایت ادلّه بر این باوراند که هر شکایتی نباید بدون دلایل موجّه و مستندات معقولِ وقوع بزهکاری، با ایرادِ اتهام روبرو گردد(**Pavlich,** ۲۰۱۸:۵۲۱) در واقع قبل از به جریان انداختن پروسهٔکیفری، دادستان باید به این باور برسد که ایرادِ اتهام لازم و ضروری است و به عبارتی ادلّه موجود، بزهکاری فرد را محرز می‌کند، و این مهم صرفا زمانی امکان پذیر است که دادستان از ردای یک مقامِ صرف تعقیب(آغاز کنندهٔ پروسهٔ کیفری) تا حدودی خارج شود و ردای تحقیق به تن کند و سپس تصمیم بگیرد که پرونده را برای بررسی بیشتر ارجاع داده یا از ایرادِ اتهام صرف‌نظر نماید هر چند در نظام کیفری ایران، به دلیل ماهیت تفتیشی در دادسرا، این شیوه تا حد زیادی مقبول نیست، اما نظام کیفری فرانسه در این زمینه گام‌های مثبتی برداشته و تلاش دارد با بررسی پرونده‌ها در مراحل ابتدایی، امنیت قضایی افراد را به مخاطره نیندازد.**(Phillips and Brown, 2002: 21)**

۲-۳- اصل برائت

اصل برائت[2] و بها دادن به آن یکی از وظایف و رسالت های بسیار مهم دادستان است که همواره در اسناد بین‌المللی نیز بدان توجه شده است. یکی از مهمترین اسناد بین‌المللی که در راستای حمایت از متهمان وضع گردیده است، اعلامیه جهانی حقوق بشر است که به اصل برائت توجه ویژه‌ای نموده است.(ساقیان، ۱۳۹۳: ۹۰).

در حقوق فرانسه، اصل برائت بر پایه مجموعه‌ای از قوانین و مقررات داخلی شکل گرفته است که تضمین‌کننده رعایت بی‌گناهی متهم تا اثبات جرم است. از جمله مهم‌ترین این مواد می‌توان به ماده ۹ منشور ۱۷۸۹ حقوق بشر و شهروندی[3] اشاره کرد که به‌عنوان بخشی از قانون اساسی فرانسه، اصول کلی عدالت و حقوق متهم را تضمین می‌کند و رعایت بی‌گناهی تا اثبات جرم را مورد تأکید قرار می‌دهد. علاوه بر این، ماده ۹ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه[4] به صراحت بیان می‌کند که «هر شخصی تا زمانی که گناهکار

---

1 Preliminary research stage.
2 The principle of innocence.
3 Déclaration des droits de l'homme et du citoyen, 1789
4 Code de procédure pénale.

بودن او به‌طور قانونی ثابت نشده باشد، بی‌گناه محسوب می‌شود» و بدین ترتیب پایه و اساس اصل برائت در دادرسی کیفری فرانسه را تشکیل می‌دهد.

اصل برائت در ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر[۱] که در سال ۱۹۴۸ مصوب گردیده مورد پیش بینی قرار گرفته است و مطابق این مقرره هر شخصی که متهم شده می‌بایست در قالب تضمین‌های دادرسی منصفانه، بزهکاری وی اثبات گردد.

اصل برائت یکی از اصول مترقی در عرصه حقوق ملی و بین الملل است که دارای سابقه‌ای طولانی می‌باشد و امروزه مورد قبول همه نظام‌های دادرسی و اسناد بین‌المللی قرار گرفته است. حقوق فرانسه نیز به اصل برائت بها داده و در صورتی که اتهامی بر فردی وارد گردد می‌بایست از طریق مبادی قانونی و قضایی به اثبات رسد به طوری که چنانچه که عنوان گردید در اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز بدان اشاره گردیده و حقوق فرانسه نیز این موضوع را مورد پذیرش قرار داده است.

در حقوق داخلی ایران، مقررات مختلفی در مورد اصل برائت وجود دارد که از جمله اصل ۳۷ قانون اساسی است به این موضوع اشاره داشته و در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نیز به صراحت در ماده ۴ به اصل برائت توجه شده است.[۲] با تدقیق در مقررات موجود می‌توان عنوان نمود که اصل برائت به عنوان تضمین در راستای حفظ و گسترشِ امنیتِ قضایی به عنوان یکی از مؤلفه‌های مهم در مرحلهٔ ایراداتهام از جانب دادستان حائز اهمیت شمرده می‌شود.

۳-۳- اصلِ سکوت

یکی از حقوق ابتدایی و حقوق بشری هر متهم که به عنوان یکی از اصول حاکم بر مؤلفه‌هایِ «ایراد اتهام» در یک مدل مطلوب در راستای حفظ و گسترشِ امنیتِ قضایی شناخته می شود حق سکوت[۳] است که همواره در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای و قوانین کیفری نوین ایران مورد توجه قرار گرفته است و این اصل نیز می‌تواند توسط شخص دادستان تضمین گردد. این موضوع به این مفهوم است که متهم بر اساسِ اصل مذکور این حق و اجازه را دارد تا پاسخ سؤالاتِ مقام قضایی (اعم از دادستان، بازپرس، دادیار، دادرس و...) را نداده و سکوت اختیار کند. در این وضعیت مقام قضایی حق ندارد متهم را به هر طریقی مجبور به پاسخگویی نماید، بلکه صرفاً مکلف است مراتب سکوت متهم را در صورت مجلس بازجویی قید نموده و در برای کشف حقیقت[۴] به سراغ دیگر ادله برود.

---

۱ هرکس متهم به ارتکاب جرمی باشد تا وقتی تقصیر او طی محاکمه علنی که در آن هر گونه تضمین ضروری برای دفاع تامین شده باشد قانونا به ثبوت نرسد، بی گناه محسوب می شود.

۲. ماده ۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲: «اصل، برائت است. هرگونه اقدام محدود کننده، سالب آزادی و ورود به حریم خصوصی اشخاص جز به حکم قانون و با رعایت مقررات و تحت نظارت مقام قضایی مجاز نیست و در هر صورت این اقدامات نباید به گونه ای اعمال شود که به کرامت و حیثیت اشخاص آسیب وارد کند».

۳Right to silence.

۴Discover the truth.

آزادی و اختیار متهم در ارائه اظهارات به مقام تعقیب و ممنوعیت اخذ اقرار با توسل به شکنجه یکی از اصول اساسی دادرسی عادلانه است و بر این اساس حق عدم پاسخگویی به سئوالات مقام تحقیق طبق مقررات عنوان حق سکوت از حقوق اساسی متهم در تمامی مراحل دادرسی به شمار رفته که در تمام نظام‌های کیفری دنیا پذیرفته شده است.(عمرانی‌فر و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۶۵).

بر این اساس متهم اجباری در اعتراف به ارتکاب جرم ندارد و می‌تواند سکوت اختیار نموده و بدون این که سکوت وی به منزله اعتراف و یا قرینه‌ای بر مجرم بودن وی تلقی شود این حق برای او متصور است تا سکوت کند.

در حقوق فرانسه ضمن محترم شمردن حق سکوت و رعایت آن به عنوان یک اصل در کلیه مراحل دادرسی، حق مذکور را در پاسخ به سؤالات مشروع یا نامشروع می‌دانند و باور بر این است که برخی از سؤالات نه تنها نامشروع است، بلکه هدف از پیشنهاد آنها رسیدن به حقیقت نبوده، بلکه فشار بر متهم برای اعتراف و تحت فشار قرار دادن او می‌باشد**(Danilet, 2000: 145).**

خصیصه‌های سؤالات نامشروع و غیرقانونی عبارت است از این‌که الف) سؤالات در ارتباط با موضوع اتهام نیست. منظور از سؤالات پراکنده و غیرمرتبط با موضوع اتهام، سؤالاتی می‌باشد که پاسخ دادن به آنها هیچ تأثیری مثبتی در روند رسیدگی و کشف حقیقت و در نهایت اتهام وارده ندارد**(Friman, 2001: 87)**.

مانند این که در پرونده‌ای که اتهام آن سرقت است از متهم در مورد شرب خمر سؤال گردد. ب) سؤالاتی راجع به گذشته متهم که بی‌ارتباط با موضوع اتهام است. مانند این که از یک روزنامه‌نگار که متهم به جرایم مطبوعاتی است سوال گردد که آیا این لحظه با کسی رابطه نامشروع داشته‌اید یا خیر؟ ج) سؤالات القایی یا تلقینی باشد با این توضی که مثلاً از متهم به سرقتی که سرقت را قبول ندارد سوال گردد که مال مسروقه را به چه کسی فروخته است؟ د) سؤالاتِ بازجویی به قصد فریب متهم پرسیده شود. **(Blackstock et al, 2014: 71)**

مانند این که بازجو به شخص متهم اعلام نماید که اگر موضوع اتهام را بپذیرد یا پاسخ این سؤال را مطابق میل وی بدهد در مجازات او تخفیف داده شده و یا موجبات آزادی وی فراهم می‌شود که متأسفانه این مورد در رسانه‌های جمعی نیز به اشتباه و ناروا مطرح می‌گردد. البته لازم به ذکر است، تحقیقات و دلایلی که از طرق غیرقانونی به دست آمده باطل و نامشروع است و در صورتی که قاضی دادگاه آن را مبنای صدور رأی قرار دهد، این رأی در مرحله تجدیدنظر و در مراجع بالاتر قابل نقض است. همچنین در تضمین حق سکوت متهم و خودداری از پاسخگویی به سؤالات، اکثر نظام‌های حقوقی استفاده از زور و شکنجه را برای اخذ اقرار یا شهادت یا سوگند منع کرده و چنین اظهاراتی را فاقد ارزش و اعتبار اعلام کرداند. لازم به ذکر است که این اصل در مادۀ ۱۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ پیش بینی گردیده است.[1]

همچنین در اسناد بین‌المللی به حق سکوت متهم اشارۀ صریح شده از جمله بند سوم ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی است که مقرر نموده است: «هرکس متهم به ارتکاب جرمی شود، حق دارد که با تساوی کامل از حداقل حقوق تضمین شدۀ زیر

۱. ماده ۱۹۷ قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۹۲« متهم می تواند سکوت اختیار کند. در این صورت مراتب امتناع وی از دادن پاسخ یا امضای اظهارات، در صورت مجلس قید می شود».

برخـــــوردار گردد: ... بند (ز): مجبور نشـود که علیه خود شـهادت دهد یا به مجرم بودن اعتراف نماید». همچنین بند دوم ماده ۴۰ کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹ از دولت های عضـــو درخواست کرده که در تضمین حق دفاع متهمان کودک در مراجع قضایی به ایـــن موضـــوع توجـــه نماینـــد. حق مزبور در اساسنامهٔ دیوان کیفری بین‌المللی نیز پیش بینی شده اســـت. **(Calvo, ۲۰۰۶: ۱۴۵)**

در ق ســـــمت دوم بند دوم ماده ۵۵ و نیز در ق سمت هفتم ماده ۶۷ در عباراتی م شابه مادهٔ قبل مقرر می‌نماید «... متهم می‌تواند سکوت اختیار نماید، بدون اینکه سکوت وی به منزلهٔ اعتراف و یا انکار محسوب شود». به طور کلی حق سکوت در حیطهٔ حقوق ایران و بین‌الملل از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و به عنوان یکی از مؤلفه‌های ایراد اتهام در یک مدل مطلوب به شمار می‌آید.اعطای حق سکوت به متهم از سوی دادستان از یک جهت می‌تواند منافع جامعه را در راستای سهولت کشف و تعقیب جرم و مجرم با خطر مواجه نموده و از طرف دیگر، عدم رعایت آن باعث تحدید حقوق مسلم متهمان و در با نهایت تعارض منافع مواجه نماید.

بنابراین حق سکوت اختیاری متهم، برای متهمی که عقیده به داشتن چنین حقی است، از اصول روشن و واضح بوده؛ ولیکن الزام قانونی و مشروع مقامات تعقیب، تحقیق و رسیدگی همچون دادیاران، بازپرسان، دادرسان و دادستان با توجه به قواعد و اصول حقوق بشری و مقررات نوین از مؤلفه های اصل برائت است که امروزه با توجه به تحولات قانون‌گذاری مورد توجه متولیان امر قانون‌گذاری قرار گرفته که این موضوع، اهمیت اصل سکوت را روشن می‌رساند.(عمرانی فر و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۵۰)

البته نمی‌توان با ایراد این که متهم بی گناه چیزی برای پنهان کردن ندارد یا دلیلی برای ترس ندارد ا صل مذکور را زیر سؤال برد؛ زیرا، هر متهمی هر چند بی گناه ممکن است بخواهد چیزی را پنهان کند.

برای مثال، ممکن ا ست اطلاعاتی را که احتمالاً دیگران علیه وی مورد ا ستفاده قرار می‌دهد، پنهان کند یا ترس آن را دا شته با شد که در صورت بیان حقیقت، از طرف دیگران در معرض آسیب قرار گیرد یا حتی ممکن است از روی سادگی مطالبی را اظهار کند که نوعی اقرار به ارتکاب جرم انگاشته شود. بنابراین، هر شخصی با ملاحظه‌ی اوضاع و احوال مربوط به‌خود تصمیم گرفته متهم و همهٔ تکلیف اثبات را بر عهده‌ی دادستان قرار می‌دهد.**(Alfredsson and Eide, 1999: 45)**

اساساً، تکلیف اثبات همهٔ عناصر تشکیل دهندهٔ جرم بر عهدهٔ دادستان است و متهم الزامی به اثبات چیزی ندارد. از این رو می‌توان گفت در مواردی که تکلیف اثبات وارونه می شـود، حق سـکوت متهم در معرض خطر قرار می‌گیرد. نمونهٔ این موارد را می‌توان در فرض‌های قانونی مربوط به مفروض دانستن رکن مادی یا روانی از طرف قانون گذار مشاهده **کرد**.(شعبانی، ۱۳۹۳: ۳۲)

درباره اینکه آیا دادسـتان می‌توان مجرد سـکوت متهم را دلیل یا قرینه‌ای بر بزهکاری وی در جرایم واجد جنبه حق الله دانسـت، باید گفت چون اولاً، در جرایم واجد جنبه حق الله، ادله اثبات جرم احصا شده‌اند و سکوت در عداد دلایل مزبور قرار نگرفته، قابلیت اثبات ندارد؛ ثانیاً، به لحاظ آنکه در جرایم واجد جنبه حق الله، بنای شارع مقدس بر آن است که این جرایم در حد امکان مستور بماند و ثابت نشـوند؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که قاضـی حق ندارد سـکوت متهم در چنین جرایمی را علیه او تفسـیر کند و به عنوان دلیل یا حتی قرینه‌ای بر مجرمیت وی قلمداد کند.

تنها نکته‌ای که باقی می ماند اینکه آیا می‌توان علم قاضی به ارتکاب‌جرم را که از سکوت متهم ناشی شده است،معتبردانست و بر اساس‌آن حکم به محکومیت متهم داد؟ در این جا دو فرض متصور است: اول اینکه علم قاضی فقط از سکوت متهم ناشی شود؛ دوم اینکه علم قاضی از امارت ظنی به ضمیمه سکوت متهم ناشی شود. ظاهراً با توجه به اینکه متهم اجبار به پاسخگویی ندارد، نمی‌توان علم ناشی از سکوت متهم مستقلاً را معتبر دانست.

به تعبیر دیگر، با توجه به اصل مشروعیت تحصیل دلیل، نمی‌توان چنین علمی را معتبر دانست، حتی زمانی که سکوت متهم همراه با امارات ظنیه موجب علم قاضی شده باشد؛ زیرا هر یک از اجزای امارات ظنیه به تنهایی حجیت ندارد و به لحاظ منطقی نیز نتیجه تابع مقدمات اخص است. از آنجا که هیچ یک از اجزاء اعتبار شرعی یا قضائی مستقلی ندارند، علم حاصل از ترکیب آن‌ها نیز نمی‌تواند معتبر تلقی شود چنان که اگر علم قاضی از سه بار اقرار به زنا حاصل شود نیز اعتبار ندارد. (حاجی ده آبادی، اکرمیِ سراب، ۱۳۹۰: ۵۹).

قانونگذار فرانسه در ماده۱-۶۳ قانون آیین دادرسی کیفری، پلیس قضایی را مکلف نموده حق اظهارنظر، پاسخ به سؤالات یا سکوت در برابر آنها را به فرد تحت نظر اطلاع رسانی کند و استثنایی به این حق در قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه مشاهده نمی‌شود.

۴-۳- اصل تفهیم اتهام

تفهیم اتهام به معنای بیان اتهامات وارده به شخص با ذکر دلایل آن است که یکی از موضوعات مهم در هر فرآیند کیفری بوده و نقض آن در مرحلهٔ ایراد اتهام نقض اساسی امنیت قضایی افراد است. دادسرا و دادستان مسئول تعقیب متهم از طرف جامعه و حفظ حقوق جامعه، طبق مقررات اولیه دادرسی، باید قبل از هرگونه تحقیق در مورد یک موضوع، دلایل را برای متهم توضیح دهند. الزام به تفهیم اتهام از آنجا ناشی می شود که یکی از ضمانت‌های حقوق دفاعی متهم در ابتدایی‌ترین مرحله دادرسی کیفری، حق اطلاع از اتهام و دلایل توجه به آن است.(**Pradel, 2001: 83**).

تفهیم اتهام و عنوان جرم و ماهیت و دلایل توجه اتهام به متهم و مواد قانونی(عنصر قانونی) ناظر به آن از جمله حقوقی است که باید در اسرع وقت و پس از بازداشت و حضور متهم در مرجع قضایی انجام گیرد.(امیری و روالامینی، ۱۳۹۶: ۸۹)

اصل تفهیم اتهام در ماده‌ی ۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ بیان گردیده است. مطابق ماده مذکور:« متهم باید در اسرع وقت، از موضوع و ادله اتهام انتسابی آگاه و از حق دسترسی به وکیل و سایر حقوق دفاعی مذکور در این قانون بهره مند شود.»

در حقوق فرانسه، به منظور تضمین اینکه ایراد اتهام در چارچوب حفظ امنیت قضایی افراد جامعه صورت گیرد، پیش‌شرط الزامی برای هرگونه بازجویی، احضار متهم است .در مرحله بازجویی، همانند نظام حقوقی ایران، هویت شخص مورد بررسی قرار می‌گیرد و رفتار ارتکابی او همراه با وصف حقوقی آن به متهم تفهیم می شود. **(Guinchard 2007:1166)**. به تأکید، این تفهیم باید با ذکر

جزئیات کامل انجام گیرد؛ به عبارت دیگر، رفتارهایی که منجر به ایراد اتهام به شـــخص شـــده‌اند و توصـــیف قانونی آن رفتارها باید توسط بازپرس به متهم ارائه شود. در غیر این صورت، احتمال نقض امنیت قضایی وجود دارد.

نویســنده بر این باور اســت که تفاوت اصــلی میان ایران و فرانســه در این مرحله، الزامی بودن احظار و تفهیم دقیق و جزئی اتهام ا ست؛ در حالی که در ایران، علی‌رغم رعایت ا صول شبیه به آن، بازپرس می‌تواند در مواردی پیش از احظار به جمع‌آوری اطلاعات اقدام کند، اما در فرانسه رعایت این پیش‌شرط از حیث قانونی لازم و شرط مشروعیت رسیدگی است. این رویه نه تنها حقوق متهم را تضمین می‌کند، بلکه با کاهش خطای قضاوت، به ارتقای امنیت قضایی جامعه نیز کمک می‌کند.

۵-۳- اصل همراه داشتن وکیل

می‌توان پس از ا صل برائت، «ا صل همراه دا شتن وکیل»[1] را یکی از ضروری‌ترین مؤلفه‌های ایراد اتهام در مدل مطلوب نام برد و حق همراه داشتنِ وکیل برای اشخاص را یکی از ضروریات شمرد که می‌تواند توسط دادستان به تضمین امنیت قضایی منجر گردد. در برخی از سیستم‌های دادر سی، مقام قضایی مکلف ا ست به متهم اعلام کند که حق دارد وکیلی را همراه خود دا شته با شد اما در آیین دادرســی کیفری ایران چنین تکلیفی در مرحله‌ی تحقیقات مقدماتی اصــلاً وجود ندارد و در مرحله‌ی دادرســی هم برای جرایم خاص پیش بینی شده است. در عین حال متهم مجاز است در هر دو مرحله وکیل انتخاب کند هرچند در مرحلهٔ تحقیقات مقدماتی، محدودیت‌هایی وجود دارد. (زراعت، ۱۳۹۲: ۷۵)

اصل فوق را از مستندات قانونی همچون اصل ۳۵ قانون اساسی،[2] ماده‌ی واحده قانون انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوا مصوب ۱۳۷۰،[3] ماده‌ی ۵ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲،[4] را می‌توان در خصوص حق وکیل استنباط نمود.

در نمونه دعوی مطروحه در ک شور فراز سه، دیوان تمیز فراز سه (دیوان عالی ک شور) حق ا ستفاده از وکیل را در جریان فرجا خواهی به متهمی که در جریان رسیدگی حاضر نشده بود، اعطا ننمود. دیوان اروپایی چنین ضمانت اجرایی را سنگین و نامتناسب با عمل عدم حضور در زمان مقرر در دادگاه، و مخالف با حق دفاع مؤثر دانست و رأی به محکومیت فرانسه داد. از نظر آقای پوتیتی این رأی و شناسایی ضمنی حق حضور یا عدم حضور متهم در زمان دلخواه وی موجبات تضعیف دادگستری و به تبع آن حکومت

---

[1] The principle of having a lawyer.

۲. اصل ۳۵ قانون اساسی:«در همه ی دادگاه ها طرفین دعوا حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد».

۳ . ماده ی واحده قانون انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوا مصوب ۱۳۷۰:« اصحاب دعوا حق انتخاب وکیل دارند و کلیه دادگاه هائی که به موجب قانون تشکیل می شوند مکلف به پذیرش وکیل می باشند. تبصره ۱- اصحاب دعوا در دادگاه ویژه روحانیت نیز حق انتخاب وکیل دارند. دادگاه تعدادی از روحانیون صالح را به عنوان وکیل مشخص می کند تا از میان آنان به انتخاب متهم، وکیل انتخاب گردد. تبصره ۲- هرگاه به تشخیص دیوان عالی کشور ، محکمه ای حق وکیل گرفتن را از متهم سلب نماید حکم صادره فاقد اعتبار قانونی بوده و برای بار اول موجب مجازات انتظامی درجه ۳ و برای مرتبه دوم موجب انفصال از شغل قضایی می باشد. تبصره ۳- وکیل در موضع دفاع، از احترام و تأمینات شاغلین شغل قضا ، برخوردار می باشد».

۴ . ماده ۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲: « متهم باید در اسرع وقت، از موضوع و ادله اتهام انتسابی آگاه و از حق دسترسی به وکیل و سایر حقوق دفاعی مذکور در این قانون بهره مند شود».

را در اعمال نظم فراهم خواهد نمود. البته به نظر می‌رسد می‌توان ضمانت اجرای مناسب تری را در عدم رعایت مقررات آیین دادرسی از سوی متهم با حفظ حق دفاع وی پیش بینی نمود.**(Buergenthal, 2001: 350)**

اگرچه در حقوق فرانسه در راستای حفظ و گسترش امنیت قضایی وکیل می‌تواند پا به پای فرد متهم از اولین نقطه آغاز فرایند کیفری وظایف خودش را در قبال موکل انجام دهد اما در حقوق ایران این موضوع با فراز و نشیب‌های بسیار زیادی همراه بوده و در بعضی از موارد مانند تبصره ماده ۴۸ از قانون آیین دادرسی کیفری حق همراه داشتن وکیل، محدود به معرفی وکلای مورد تأیید قوه قضاییه می‌باشد.

۶-۳- اصل قانونی بودن جرم و مجازات‌ها

شاید بتوان گفت اصلی‌ترین و مهم‌ترین سند حقانیت فرایند کیفری مبتنی بر مبانی عدالت نسبت به سایر سیستم‌های عدالت کیفری، رعایت اصل قانونی بودن جرم و مجازات‌ها است با این توضیح که یکی از اصلی‌ترین مؤلفه‌های ایراد اتهام در یک مدل مطلوب، در راستای حفظ و گسترش امنیت قضایی این است که دادستان زمانی دست به تعقیب بزند که رفتار مرتکب واجد وصف مجرمانه باشد در غیر این صورت دادستان خود ناقض اصلی امنیت قضایی است و تا حد زیادی ارتقاء سیستم عدالت کیفری در پاسداشت این اصل مهم متجلی است.

مونتسکیو دانشمند فرانسوی معتقد بود که اولاً؛ باید بین اعمال ارتکابی و مجازات آنها تناسب وجود داشته باشد، ثانیاً؛ اعمال ضد اجتماعی و مجازات آنها برای عموم مردم شناخته شود، ثالثاً؛ اجرای عدالت باید تحت قانون باشد. قوانین و مقررات صحیح این باورها و حرکت دانشمندان با انقلاب فرانسه در سال ۱۷۸۹ به اجرا درآمد و برای اولین بار قانونگذار فرانسه در ماده ۸ اعلامیه حقوق بشر آن را تصویب کرد و این اصل از آنجا به کشورهای دیگر سرایت کرد. اعلام این اصل تأثیر گسترده‌ای در کل جهان داشت و به عنوان یک اصل غیرقابل تردید چه در قانون جزا و چه در قوانین اساسی کشورهای مسلط پذیرفته شد. بر اساس این اصل، اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ منتشر شد. **(Gerry, 2017: 87)**

در موارد مختلف خود بیشتر به تجزیه این اصل پرداخت. اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها در در فقه و حقوق ایران، در قواعد فقهی با عنوان قاعدهٔ قبح عقاب بلا بیان عنوان شده است. اصل قانونی بودن به منظور قانونمند نمودن جرایم و مجازات‌ها پیش بینی شده و از این جهت در ادوار مختلف تقنینی همواره در مورد آن، مواد مختلفی نگارش یافته که از جمله ی آنها می‌توان به مادهٔ ۲ و ۱۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و مادهٔ ۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ اشاره نمود که اهمیت این اصل را صحّه نهاده و با توجه به این موضوع دادستان به عنوان مقام قضایی عالی‌رتبه در دادسرا وظیفه تأمین آن را بر عهده دارد؛ هر چند که در اصل ۳۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز بر اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها تأکید شده، ولیکن برر سی مبنا و ماهیت این اصل، مبیّن اهمیّت این حدیث می باشد که: «مجازات نکردن اشخاص بهتر از مجازات کردن آن بدون دلیل است».(عمرانی فر و زندی، ۱۳۹۶: ۴۵)

با توجه به این مو ضوع می‌توان بیان نمود که ا صل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها نه تنها ریـ شهٔ فقهی و حقوقی دارد، بلکه در ادوار مختلف، همچون ع صر با ستان نیز بر قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها و دادر سی کیفری تأکید شده ا ست. علیهذا ارتباط این اصل با قاعدهٔ تفسیر مضیق قوانین جزایی و عطف به ماسبق نشدن مقررات جزایی نیز پوشیده نیست که ارتباط مستقیمی با حفظ و گسترشِ امنیتِ قضایی دارد.

۷-۳- حق دادخواهی

میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیا سی در مادهٔ ۱۴ به طور رو شن حق دادخواهی را در پرتو ا صول دادر سی عادلانه که از آثار اصل برائت است، ترسیم نموده است. همه در مقابل دادگاه‌ها و دیوان‌های دادگستری مساوی هستند و هر کس حق دارد به دادخواهی او منصفانه و علنی در یک دادگاه صالحِ مستقلِ بی‌طرف، طبق قانون رسیدگی شود. همچنین در ماده ۱۰ این اعلامیه نیز اعلام شده هر انسانی سزاوار و محق به دسترسی کامل و برابر به دادرسی آشکار و عادلانه توسط دادگاهی بی‌طرف و مستقل است تا در برابر هر گونه اتهام جزایی علیه وی، به حقوق و تکالیف وی رسیدگی کند»**(Pradel, 1995: 81)**

در مادهٔ ۳۱ کد آیین دادرسی مدنی فرانسه حق دادخواهی برای شخص ذینفع پیش‌بینی شده[1] و در این راستا دادستان وظیفه دارد که حق دادخواهی را به شخص ذینفع بدهد.

با وجود اهمیت زیاد حق دادخواهی در تضـمین امنیت قضـایی، گاهی اوقات ممکن اسـت خود این حق از جهات مختلفی در معرض تحدید و تضییق و سلب قرار گیرد و بدین ترتیب مسیر احقاق حقوق افراد خدشه‌دار شود. بنابراین، همچنان که این حق در حفظ امنیت قضایی افراد اهمیت وافر دارد، صیانت از خود این حق نیز دو چندان واجد اهمیت است. در همین زمینه، شورای نگهبان در مقام صیانت از موازین ا سلامی و قانون ا سا سی در برابر م صوبات مجلس شورای ا سلامی (مو ضوع ا صل ۹۰ قانون ا سا سی)، مصوبات متعددی از مجلس را مغایر اصل ۴۰ قانون اساسی تشخیص داده و بدین ترتیب در مقام هی مردم و صیانت از این حق مسلم برآمده است.

بنابراین، بررسـی این مطلب که چه موضـوعاتی می‌تواند حق دادخواهی افراد را محدود یا سـلب کند، از مسـائل نیازمند تأمل و بررسـی اسـت که علاوه بر اهمیت نظری اسـتخراج محدودیت های مغایر با حق دادخواهی، بیان رویه شـورای نگهبان می‌تواند قانونگذار عادی را با تضمینات مدنظر شورای نگهبان در صیانت از حق دادخواهی افراد آ شنا کند و از این طریق از و ضع م صوبات مغایر با قانون اساسی که سبب اطاله روند قانونگذاری می شود، پیشگیری به عمل آورد.(درویشوند و همکاران، ۱۴۰۰: ۳۲)

۸-۳- اصل مستند بودن رأی قضایی

بند دوم مادهٔ واحده قانون احترام به آزادی های مشـروع و حفظ حقوق شـهروندی در راسـتای مسـتند بودن رأی قضـایی بیان می‌دارد: «محکومیت‌ها باید بر طبق ترتیبات قانونی و منح صر به مبا شر، شریک و معاون جرم با شد و تا جرم در دادگاه صالح اثبات

[1]: L intérêt est la mesure de l action.

نشود و رأی مستدل و مستند به مواد قانونی و یا منابع فقهی معتبر (درصورت نبودن قانون) قطعی نگردیده اصل بر برائت متهم بوده و هرکس حق دارد در پناه قانون از امنیت لازم برخوردار باشد». رسیدگی قضایی باید مستدل، مستند و در چارچوب قوانین حاکم باشد.

درباره تأمین این حق و رعایت این اصل در بند ۱ ماده ۲۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است: «هرکس با مساوات کامل حق دارد که دعوایش به وسیله دادگاه مستقل و بی طرف، منصفانه و علناً رسیدگی شود». اکنون در مقررات ایران نیز به صراحت از بی‌طرفی در دادرسی سخن رفته است و ماده ۳ قانون آئین دادرسی کیفری مقرر داشته :«مراجع قضایی باید با بی‌طرفی و استقلال کامل به اتهام انتسابی به اشخاص در کوتاه ترین مهلت ممکن، رسیدگی و تصمیم مقتضی اتخاذ نمایند». به طور کلی دادستان بر اساس اصل مستند بودن قرارها، وظیفه دارد بر اساس موازین قانونی اقدام به صدور قرار نماید و این موضوع تضمین کننده امنیت قضایی شهروندان است.

۹-۳- اصلِ مصلحت گرایی

یکی دیگر از مؤلفه‌هایِ «ایراد اتهام» در یک مدل مطلوب، اصل مصلحت‌گرایی است. تعاریف زیادی از مصلحت گرایی توسط حقوق‌دانان مطرح شده است و هر فردی از زاویهٔ دید خود مصلحت را تعریف نموده است. اما در این میان تعریف جامع و مانع دیده می‌شود که نویسنده صرفاً به آن بسنده می‌کند. برخی نویسندگان در تعریف مصلحت آورده‌اند:« «مصلحت به معنای منافعی است که به جامعه باز می‌گردد و قلمرو وسیعی دارد؛ به گونه‌ای که منافع دنیوی، اخروی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و... را دربر می‌گیرد»(شیداییان و اسحاقی، ۱۳۹۹: ۱۱۰)

پرسشی که امکان دارد در همین ابتدای گفتار مطرح گردد این است که مصلحت‌گرایی چگونه می‌تواند به عنوان مؤلفه‌هایِ «ایراد اتهام» در یک مدل مطلوب در راستای حفظ و گسترش امنیت قضایی قرار بگیرد؟ در همین ابتدا برای پاسخ به سؤال مطرح شده باید عنوان نمود که مصلحت در مقابل قانون قرار نمی‌گیرد بلکه وابسته و متعلق به قانون است. مصلحت به مبانی قانون و اهداف نظام قانونی مشروط است. در حقوق انگلستان و آمریکا و تا حدودی فرانسه مصلحت(منفعت عمومی) نقش بسزایی در ایرادِ اتهام دارد به نوعی که اگر منفعت عمومی ایرادِ اتهام را توجیه نکند تمایلی برای ایرادِ اتهام توسط مقام تعقیب وجود ندارد. (جمنانی، ۱۳۹۶: ۱۶۸).

قاضی مصلحت‌گرا می‌تواند به آسانی با الفاظ و مفاهیم قانونی بازی کند و از آنها معانی مورد نظر را استخراج کند. او ملزم نیست تنها به قواعد حقوقی توجه داشته باشد، بلکه می‌تواند از هر دلیلی که به تصمیم قضایی او مربوط می‌شود استفاده کند و برخلاف قضات سنّتی، می‌تواند انواع داده‌ها، نظیر داده‌های جامعه‌شناختی و اقتصادی را برای ایرادِ اتهام مورد استناد قرار دهد(شکرچی‌زاده ، ۱۳۹۶: ۱۰۷).

باید توجه داشت در صورت صرف نظرکردن از ایرادِ اتهام بر مبنای مصلحت، این مصلحت نه تنها ناظر به بزه کار و بزه دیده است، بلکه بر جامعه و نهادهای عدالت کیفری نیز نظارت دارد. منظور از مصلحت سنجی در این مبحث آن است که مقام تعقیب خود را از قید و بند اجباری و الزامی بودن تعقیب کیفری رها می‌کند و با رعایت ضوابط و مقررات و در صورتی که تعقیب متهم، نفع

اجتماعی نداشته باشد، با مصلحت اندیشی از ایراد اتهام، در راستای حفظ و گسترش امنیت قضایی خودداری نماید. کمیتهٔ پیشگیری از ارتکاب جرم و رفتار با محکومان سازمان ملل متحد، رعایت مصلحت در تعقیب کیفری در عرصهٔ بین‌الملل مدنظر قرار گرفته است. در بند ۱-۵ پیشنهاد قطعنامهٔ ارائه شده به یازدهمین اجلاس کمیتهٔ مذکور(۵-۶ فوریه ۱۹۹۰) و به عنوان «تصمیمات مقدم بر رسیدگی دادگاه‌ها، دادگاه پلیس، دادسرا یا سایر مقامات مسئول عدالت‌کیفری، درصورت مصلحت و آنگاه که این امر با نظام حقوقی آن ها مانع الجمع نباشد، باید مجاز شناخته شوند تا در مواردی که توسل به تعقیب قضایی برای حمایت از جامعه، پیشگیری از ارتکاب جرم یا ترفیع احترام قانون یا حقوق زیان دیدگان از جرم ضروری نباشد، از تعقیب خودداری کنند. هر نظام حقوقی، ضوابط خود را در زمینهٔ ضرورت تعقیب یا انصراف از آن مشخص خواهد کرد» (آشوری، ۱۳۸۶: ۸۳).

اکنون در مقام پاسخ‌گویی، به سؤالی که در ابتدای این گفتار بیان شد، باید اذعان نمود: مصلحت‌گرایی را باید درسیستم عدالت کیفری حاکم بر هر کشور به طور جداگانه مورد بررسی قرار داد. نویسنده معتقد است در دستگاه عدالت کیفری کرامت‌مدار، سیستم مذکور از عنوان مصلحت گرایی در جهت مثبت آن استفاده می‌کند با این توضیح که سیستم عدالت کیفری فرانسه در بحث ایراد اتهام به افراد بسیار حساس و دقیق عمل می‌کند**(White, 2015: 10)**

برخلاف حقوق ایران در مرحلهٔ دادسرا به راحتی افراد را وارد پروسهٔ کیفری نمی‌کند و زمانی اقدام به ایراد اتهام می‌کند که صرفاً مصلحت عمومی و حفظ عدالت و مبانی موجود، برای ایراد اتهام آن را ایجاب کند. بنابراین مشاهده می گردد که مقام تعقیب زمانی که شرایط را برای ایراد اتهام فراهم ببیند یعنی تشخیص دهد که مصلحت در ایراد اتهام می‌باشد اقدام به این امر می‌نماید و این موضوع می‌تواند در نهایت موجب حفظ و گسترش امنیت قضایی گردد.

۱۰-۳- اصل منفعت عمومی(نظام سود و زیان)

یکی دیگر از مؤلفه‌های «ایراد اتهام» در یک مدل مطلوب در راستای حفظ و گسترش امنیت قضایی منفعت عمومی[۱] یا نظام سود و زیان است. وفق این اصل دستگاه عدالت کیفری باید در ابتدا بسنجد که ایراد اتهام تا چه اندازه می‌تواند اهداف حقوق کیفری را تأمین کند و مبنای آن سود و زیان است با این توضیح که اگر دستگاه عدالت کیفری به طور کلی ایراد اتهام را در راستای اهداف اصلاح و بازپروی مفید یافت اقدام به ایراد اتهام و در صورتی که ایراد اتهام دستاوردی را برای فرد، جامعه و دستگاه عدالت کیفری ندارد؛ از ایراد اتهام نسبت به فرد مورد نظر آن خودداری می‌نماید و به عبارتی با اقدامات غیر کیفری(انضباتی و انتظامی) سعی در جبران صدمات ناشی از جرم برآیند.**(Ambos,2003:65)**

از جملهٔ موضوعات دیگر این است که سیستم عدالت کیفری، مانند هر مجموعه دیگری دارای منابع محدود و مشخصی می‌باشد از این رو نمی‌توان انتظار داشت که دستگاه عدالت کیفری در خصوص هر رفتار واکنش نشان دهد زیرا مبانی مدیریتی این موضوع را ایجاب می نماید که دستگاه عدالت کیفری صرفا هدف و تمرکز خود را بر جرایم مهم معطوف کند بنابراین جرایمی مانند رانندگی بدون گواهینامه، تخدیش پلاک و یا سایر جرایم خورد می‌تواند بدون ایراد اتهام و یا در مرحلهٔ ایراد اتهام بدون ارسال پرونده به

[۱] Public interest.

دادگاه تعیین تکلیف گردد زیرا این دسته از جرایم وقت دادگاه را برای تمرکز بر پرونده‌های مهم از بین می‌برد. کما این که؛ بعضی از حقوقدانان عقیده بر این دارند که دستگاه عدالت کیفری می‌تواند قبل از ایرادِ اتهام و در مرحلهٔ ادای توضیح یا به عبارتی ظن به ارتکاب جرم در جرایم خُرد، در راستایِ حفظ و گسترش امنیت قضایی در صورتی که آغاز فرایند کیفری منفعت عمومی را تأمین می‌کند آغاز گردد در غیر این صورت وارد فرایند کیفری نشده و به شیوه غیر قضایی حل و فصل گردد(میرخلیلی و عزیزی، ۱۴۰۰: ۲۲۵)

۱۱-۲- رعایت امنیت قضایی و آزادی‌های اجتماعی

تضمین عدالت قضایی از سوی دادستان در حقوق ایران و فرانسه، مبتنی بر دو مؤلفه می باشد؛ اولاً عوامل تأثیرگذار شخصی و روانی دادستان و دیگری جنبه تقنینی که ضمانت اجرای تخلف از اصول فوق و همچنین راهکارهای پیشگیرانه را ارائه کرده است.(هاتفی اردکانی، ۱۳۹۴: ۱۰).

اصول استقلال و بی‌طرفی مراجع قضایی از مهم‌ترین مبانی نیل به یک دادرسی عادلانه و تأمین حقوق شهروندان در جریان دادرسی و تضمین امنیت قضایی است که در مواد ۱-۴۳۴ و ۳۰-۴۳۴ قانون مجازات فرانسه مصوب ۱۹۹۲ مورد تأکید قرار گرفته که تنها از خلال آنها می‌توان به وجود قوهٔ قضائیه و قضاتی عدالت پیشه و حق مدار امید داشت. این اصول در اکثریت قریب به اتفاق نظام های حقوقی داخلی جهان و نیز مقررات حقوق بین الملل، به ویژه مقررات خاصِ مربوط به عدالت گری شناخته شده است؛ اما برای نیل به استقلال کامل قوه ی قضائیه و قضات هر کشور و نیز بی طرفی آنان در هنگام احقاق حق به نظر می رسد نیازمند حصول شرایط و اصولی مبنایی و مقدماتی است. بنا بر مطالعات انجام شده در مقررات بین‌المللی و نظام داخلی چندین کشور از جمله ایران و فرانسه اصولی همچون استقلال نهادی، استقلال فردی قضات، شیوهٔ انتصاب قضات و شرایط استخدامی برای تحقق کامل دو اصل استقلال و بی طرفی مراجع قضایی می‌توان تعریف و تبیین کرد تا با اِعمال و رعایت آنها استقلال و بی طرفی مراجع قضایی در جهت حفظ و حمایت امنیت قضایی هرچه بیشتر از حقوق شهروندان در فرایند کیفری فراهم شود.(ویژه و محمدی کشکولی، ۱۳۹۷: ۲۵۱).

به طور کلی تضمین امنیت قضایی از سوی دادستان، به عنوان مهمترین رسالت وی شناخته می شود که در راستای تضمین اصول دادرسی منصفانه امکان پذیر است. آزادی‌های مدنی و یا آزادی های شخصی و اجتماعی، آزادی‌هایی می باشند که دادستان نمی‌تواند مطابق قانون یا تفسیر قضایی و بدون محاکمه آنها را سلب کند.

هر چند دامنه این واژه در کشورهای مختلف، متفاوت است اما آزادی‌های مدنی مشمول آزادی اندیشه، آزادی دین، آزادی مطبوعات، آزادی تجمعات اعتراضی، آزادی بیان، حق امنیت، آزادی سخنرانی، حریم خصوصی، حق دادرسی برابر بر اساس قانون، حق برخورداری از یک محاکمه عادلانه و حق زیستن است. آزادی‌های مدنی دیگری هم شامل حق مالکیت، حق دفاع از خود و حق مالکیت بر بدن خود می‌باشد که تضمین آن مطابق اهداف امنیت قضایی بر عهده دادستان نیز می باشد.(ساقیان، ۱۳۹۳: ۶۷).

جدول تطبیقی بحث در ذیل ارائه می‌گردد:

ردیف	مؤلفه ایراد اتهام	ملاحظات در ایران	ملاحظات در فرانسه	تأثیر بر امنیت قضایی
۱	اصل کفایت ادله	کمتر مورد توجه کامل در برخی پرونده‌ها	رعایت کامل، نیاز به دلایل کافی برای صدور اتهام	تضمین عدالت و کاهش احتمال صدور اتهام بی‌اساس
۲	اصل برائت	مورد تأکید قانونی (ماده ۳۷ قانون آیین دادرسی کیفری) اما اجرای آن گاه محدود است	اصل اساسی و تضمین‌شده	حفاظت از متهم و کاهش فشار قضایی ناعادلانه
۳	اصل سکوت متهم	قانونی اما گاهی نادیده گرفته می‌شود	کاملاً رعایت می‌شود	جلوگیری از خوداقراری متهم و حفظ حقوق فردی
۴	اصل تفهیم اتهام	مکلف به تفهیم، اما عدم دقت در برخی پرونده‌ها	دقیق و مرحله‌ای انجام می‌شود	افزایش آگاهی متهم و امکان دفاع مؤثر
۵	حق همراه داشتن وکیل	وجود حق قانونی، اما دسترسی محدود در عمل	دسترسی کامل و فوری به وکیل	تضمین دفاع مؤثر و رعایت اصل عدالت
۶	اصل قانونی بودن جرم و مجازات	رعایت می‌شود ولی در تفسیر قوانین گاهی محدودیت وجود دارد	رعایت کامل و صریح	جلوگیری از مجازات‌های غیرقانونی
۷	حق دادخواهی	تضمین شده، اما مراحل طولانی و پیچیده است	کاملاً رعایت می‌شود و فرآیند سریع‌تر است	ارتقای اعتماد عمومی به عدالت
۸	اصل مستند بودن رأی	الزامی است، اما کیفیت مستندات متفاوت است	کاملاً رعایت می‌شود	افزایش شفافیت و قابل پیش‌بینی بودن تصمیمات
۹	اصل مصلحت‌گرایی	کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد	به صورت محدود و با توجه به قانون اساسی	متوازن‌سازی منافع عمومی و فردی
۱۰	اصل منفعت عمومی	به طور کامل رعایت نمی‌شود	به طور قابل توجهی رعایت می‌شود	تقویت اعتماد عمومی و مشروعیت نظام قضایی
۱۱	رعایت امنیت قضایی - آزادی‌های اجتماعی	تضمین شده، اما با چالش در اجرای عملی- در عمل محدودیت‌هایی وجود دارد	کاملاً رعایت می‌شود- رعایت می‌شود و محدودیت‌ها قانونی و مشخص	محافظت از حقوق و آزادی‌های شهروندان- حفظ تعادل میان امنیت و آزادی‌های فردی

نتیجه گیری

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که دادستان به‌عنوان مدعی‌العموم نقش کلیدی در حفظ و گسترش امنیت قضایی در نظام‌های حقوقی ایران و فرانسه ایفا می‌کند. این نقش نه تنها در آغاز و پیگیری پرونده‌های کیفری، بلکه در تضمین رعایت حقوق متهم و ایجاد تعادل میان منافع عمومی و فردی اهمیت دارد. با این حال، بررسی تطبیقی نشان می‌دهد که در نحوه تحقق این تضمین‌ها و آثار آن در هر دو کشور تفاوت‌هایی وجود دارد.

با توجه به تحلیل اسناد بین‌المللی، مانند منشور ۱۲۱۵ بریتانیا و اعلامیه ۱۷۸۹ حقوق بشر فرانسه، می‌توان دریافت که هر دو نظام حقوقی حداقل تضمینات حقوقی را برای متهم در دادرسی کیفری مدنظر قرار داده‌اند. این تضمینات به‌ویژه در اصولی مانند کفایت ادله، اصل برائت، حق سکوت، تفهیم اتهام، حق داشتن وکیل و مستند بودن رأی قضایی نمود یافته است.

تفسیر یافته‌ها نشان می‌دهد که ترکیب این اصول در یک مدل مطلوب «ایراد اتهام» به گونه‌ای است که هم امنیت قضایی و هم آزادی‌های اجتماعی حفظ شود. به عبارت دیگر، رعایت اصول مزبور نه تنها به تحقق عدالت کیفری کمک می‌کند، بلکه اعتماد عمومی به نظام قضایی را نیز افزایش می‌دهد. این امر نشان می‌دهد که نقش دادستان باید با تأکید بر موازنه میان منفعت عمومی و حقوق فردی، تقویت شود.

در نظام حقوقی ایران، دادستان عمدتاً در روش سنتی آغاز فرایند کیفری ایفای نقش می‌کند، اما برخی مؤلفه‌های کلیدی مانند اصل کفایت ادله، اصل منفعت عمومی و اصل مصلحت‌گرایی کمتر مورد توجه قرار می‌گیرند. این عدم توجه می‌تواند پیامدهایی مانند محدود شدن کارایی دادرسی و کاهش اعتماد عمومی به نظام قضایی به همراه داشته باشد. در مقابل، نظام فرانسه با تأکید بیشتر بر این مؤلفه‌ها، نمونه‌ای از همگرایی میان تضمین حقوق متهم و منافع عمومی ارائه می‌دهد که می‌تواند برای بهبود رویه‌های قضایی ایران آموزنده باشد.

در نتیجه، پژوهش حاضر نشان می‌دهد که بسط نقش دادستان در چارچوب اصول یادشده و توجه جدی به موازنه میان حقوق فردی و منافع عمومی می‌تواند مسیر ارتقای امنیت قضایی و رعایت عدالت کیفری را در ایران هموار سازد و زمینه را برای ایجاد یک مدل مطلوب ایراد اتهام فراهم آورد.

در همین راستا پیشنهاد می‌گردد: اصول یازده‌گانه یادشده(مخصوصاً اصلِ کفایتِ ادلّه؛ اصل منفعت عمومی(نظامِ سود و زیان)اصلِ مصلحت گرایی در حقوق ایران) تا حد زیادی مورد توجه و تقویت قرار گیرد. همچنین مسئولان و کارکنان دستگاه قضایی باید از حقوق، قوانین و تحولات این حوزه آگاهی کافی داشته و به عنوان سند راهبرد امنیت قضایی تدوین باید و در صورت عدم رعایت آنان از جانب دادستان ضمانت اجرای انتظامی یا کیفری در نظر گرفته شود.

فهرست منابع؛

۱-آشوری، محمد، (۱۳۸۶). آیین دادرسی کیفری، جلد اول. تهران: انتشارات سمت، چاپ سوم.

۲-جمنانی، فرامرز، (۱۳۹۶). برابری تعقیب و تحقیق در پرتو تحولات نوین دادرسی. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

۳-زراعت، عباس، (۱۳۹۲). اصول آئین دادرسی کیفری، جلد اول. ایران: انتشارات مجد، چاپ اول.

۴-شکّرخیزی‌زاده، رضا، (۱۳۹۶). آئین دادرسی کیفری انگلستان و فرانسه؛ قاعده اقتضای تعقیب. تهران: انتشارات مجد، چاپ اول.

۵-محمد بیکی خورتائی، علیرضا، (۱۳۹۲). دادستان و امنیت اجتماعی، جلد اول. تهران: میزان، چاپ اول.

۶-آشوری، محمد و سپهری، روح‌الله، (۱۳۹۲). «بررسی تطبیقی مرحله تحت نظر در آیین دادرسی کیفری ایران و فرانسه». آموزه‌های حقوق کیفری، دوره ۲، ۱۱۰-۱۳۸.

۷-حاجی‌ده‌آبادی، محمد علی و اکرمی سراب، روح‌الله، (۱۳۹۰). «مبانی فقهی حق سکوت متهم در دعاوی جزایی». حقوق اسلامی، دوره ۲۵، ۳۵-۶۲.

۸-درویشوند، ابوالفضل؛ کدخدا مرادی، ابوالفضل؛ فتاحی زفرقندی، علی، (۱۴۰۰). «تضمینات حق دادخواهی در نظام جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر نظرهای شورای نگهبان». فصلنامه دانش حقوق عمومی، دوره ۲، ۲۹-۵۵.

۹- ساقیان، محمدمهدی، (۱۳۹۳). «تحولات حق متهم برداشتن وکیل در مرحله تحت نظر در حقوق ایران و فرانسه». مجله مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دوره ۲۱، ۱۰۳-۱۱۸.

۱۰- ساقیان، محمدمهدی، (۱۳۹۳). «تقویت حقوق و آزادی‌های متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲». پژوهش حقوق کیفری، دوره ۶، ۱۱۳-۱۳۶.

۱۱- سجادی، لیلا و افراسیابی، علی، (۱۳۹۳). «پاسخ‌های پلیس به خشونت خانگی علیه بانوان (مطالعه تطبیقی سیاست جنایی ایران و کانادا)». فصلنامه مطالعات بین‌المللی پلیس، دوره ۱۶، ۱۷-۳۱.

۱۲- شعبانی، عباس، (۱۳۹۳). «مطالعه تطبیقی حق سکوت متهم در حقوق کیفری ایران و اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت.

۱۳- شیداییان، مهدی و اسحاقی، سید جعفر، (۱۳۹۹). «جلوه‌های مصلحت عمومی در آیین دادرسی کیفری و چالش آن با حقوق فردی». فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، دوره ۲۵، ۱۰۱-۱۲۰.

۱۴- عمرانی فر، عدنان و زندی، محمدرضا، (۱۳۹۶). «ممنوعیت یا مقبولیت تخفیف مجازات در جرایم مستوجب حد». فصلنامه قضاوت، دوره ۹۰، ۳۳-۵۰.

۱۵- عمرانی فر، عدنان؛ شیداییان، مهدی؛ عالی‌پور، حسن، (۱۴۰۲). «واکاوی پروسه «ایراد اتهام» در نظام‌ها و فرایند عدالت کیفری». فصلنامه تعالی حقوق، دوره ۹، ۴۵-۷۸.

۱۶- عمرانی فر، عدنان؛ شیداییان، مهدی؛ میر خلیلی، سید محمود، (۱۳۹۹). «جایگاه شعبه مقدماتی در دیوان بین‌الملل کیفری و امکان سنجی پیش‌بینی آن در حقوق ایران». پژوهشنامه حقوق تطبیقی، دوره ۴، ۱۵۴-۱۷۰.

۱۷- فروغی، فضل‌الله و یوسفی، ایمان، (۱۳۹۳). «مرحله تصمیم‌گیری برای کفایت ادله اثباتی در الگوهای تحقیقات مقدماتی ایران و آمریکا». مطالعات حقوقی، دوره ۶، صفحات ۱۴۷-۱۷۸.

۱۸- میر خلیلی، سید محمود و عزیزی، سمیه، (۱۴۰۰). «ارتباط نظریه قوچ قربانی و عوام‌گرایی کیفری و تأثیر آن بر سیاست کیفری ایران». پژوهش‌های حقوقی، دوره ۱۹، ۲۲۱-۲۴۲.

۱۹- میری، سارا و روح الامینی، محمود، (۱۳۹۶). «بررسی رویکردهای عملی نقش دادستان در پیشگیری از جرم». دوره ۳، ۱۴۹-۱۶۱.

۲۰- ویژه، محمدرضا و محمدی کشکولی، (۱۳۹۷). «اصول بنیادین ناظر بر تضمین اصل بی‌طرفی قضایی در نظام بین‌الملل و حقوق ایران». دیدگاه‌های حقوق قضایی، دوره ۸۴، ۲۶۳-۲۸۳.

1. **Alfredsson, Gudmundur; Eide, Asbjorn (1999), The Universal Declaration of Human Rights: a common standard of achievement. Martinus Nijhoff Publishers**
2. **Barkow, Rachel E. 2010. "Organizational Guidelines for the Prosecutor's Office." Cardozo Law Review 31 (6): 2089–2118.**
3. **Hodgson, J. (2012). Guilty pleas and the changing role of the prosecutor in French criminal justice. In E. Luna & M.L. Wade (Eds.), The prosecutor in transnational perspective Oxford University Press: 116–134**

٤. Blackstock, Jodie, Taru Spronken, Anna Ogorodova, Ed Cape, and Jacqueline Hodgson. ۲۰۱۴. Inside Police Custody: An Empirical Account of Suspects' Rights in Four Jurisdictions. Ius Commune Europaeum۱۱۳. Cambridge: Intersentia.

٥. Phillips, C. and Brown, D.(۲۰۰۲), Entry into the criminal justice system:A survey of police arrests and their outcomes, home office research study ۱۸٥. London, Home Office and Home office.

٦. Hutchings, P. (۲۰۱۲). The Criminal Subject in Law, Literature and Aesthetics. NewYork: Routledge.

۷. Danet, Jean, ed. (۲۰۱۳). La réponse pénale dix ans de traitement des délits. Rennes: Presses universitaires de Rennes

۸. Ambos, Kai. (۲۰۰۳). International criminal procedure, adversarial, inquisitorial or mixed?; International Criminal LawReview,vol ۳

۹. Buergenthal, Thomas.(۲۰۰۱)."The U.N. Human Rights Committee." Max Planck U.N. Year Book٥ :۳۴۱–۳۹۹.

۱۰. Calvo–Goller, K., N (۲۰۰۶), the Trial Proceedings of the International …..Criminal Court, ICTY and ICTR Precedents, Martinus Nijhoff.

۱۱. Danilet,Cristi (۲۰۰۰), Independence and Impartiality of Justice, International Standards,at:http://nedel.bugiweb.com/usr/Independence٪۲۰and٪۲۰Impartiality٪۲۰of٪۲۰Justice–۱.pdf,last visited ۱۴ Nov. ۲۰۱۴.

۱۲. Friman, Hakan (۲۰۰۱), INVESTIGATION AND PROSECUTION; at: The international criminal court (Elements of crimes and rules of procedure and evidence, Edited by: Roy s. lee, Transnational publisher, inc.

۱۳. Guinchard, S., et Buisson, J. (۲۰۱۲)procedure penale. ۸ed. Paris

۱٤. Lazerges. ch. (۲۰۰۰). Le Renforcement de la Presomption d'Innocence et les Droits des Victimes, A.P.C.n ۲۲.

۱٥. Pavlich, George. (۲۰۱۸). 'The violent rhetoric of accusation: Cicero and the Marcus Ameleus Scaurus case'. In Joshua Nichols and Amy Swiffen (eds), Legal Violence and the Limits of the Law.Abingdon: Routledge, ۳۰–۴۹

۱٦. Guinchard,serge,(۲۰۰۷) Droit Processule–Droit Commun et droit compare`. Paris précis. ۴ eed.

۱۷. Pradel, J. (۲۰۰۱). Les personnes suspects ou poursuivies aores la loi du ۱٥ juin ۲۰۰۰, Dalloz, N. ۱۴.

۱۸. Pradel, J. (۱۹۹٥). La protection de la pesonne en France depuis en France depuis les reformes de procedure penale en ۱۹۹۳, in. la Revue juridiaue themis, n۱.

۱۹. Renucci, Jean–François.(۲۰۰۴)."Le Procureur de La République Est–Il Un 'Magistrat' Au Sens Européen Du Terme?" In Libertés, Justice, Tolérance!: Mélanges En Hommage Au Doyen Gérard Cohen–Jonathan Vol. II., ۱۳۴٥. Brussels: Bruylan

۲۰. Robert, Marc. (۲۰۱۱). "L'avenir Du Ministère Public Français." AJ Pénal, no. ۳ (March): ۱۱٥–۱۸.

۲۱. Simmat–Durand, Laurence. ۱۹۹۴. "Le Parquet et L'opportunité Des Poursuites." Questions Pénales VII (۴).